

پاریس در چشم انداز

مهدی استعدادی شاد

دیگر خورشید باید سوخته باشد که دودی سیاه
همچون تکه ابری قیرگون
بر کاکلش بنشیند و ستاره ها را خوراکِ ظلمت کند.
از آرمان آزادی، کسی سراغی نمی گیرد. (باور کنید این شعار نیست!)
کموناردها را همه از یاد برده اند حتا راهنمای توریست هایی که دور کلیسای "ساکروگر" می
چرخند.

تابلوی اعلانات راه،
ستون های تبلیغات ،
قارچهای خود رو بر سیاره ی سرد شده،
کلمات متقاطع ، درخشش های مصنوعی ، خطوط معماری فضا.
ناظر دیوارهای بلند و کوتاه ، خانه های فرسوده و آسمانخراش های شیشه ای براق
زرق و برق غوغای ماه ، گل سینه ی جامعه ی جنجالی
چوب حراجی بر جنس بنجل با داعیه ی لعل و جواهر
منتشر بر نئون های چشمک زن: سلطه ی غریزه
ران های برهنه ی زن ، عروس های بی داماد، چشمان هیز مرد، دامادهای دلمرده ،
دعوت به مصرف!

_ "سروران گرامی ، برای نشخوار، به مهمانسرا وارد شوید !
plait vous il s , eEntr!

فواید عشق و گیاهخواری را به فراموشی سپارید!
*

خسته با پلک هایی سنگین و چشم هایی که کیسه های اشکش خشکیده
بازمانده ایی کنار تل خاکستر نسل شور و خوشباشی
دور از آرزوی خاتون و الاهی تا چه رسد به آنات کالاشده.
*

و همینطور، همه جا، غوغای غریزه و دعوت به مصرف ،
و مصرف

نگاه را غنیمت می گیرد
و جاده ی خیالم انگار دلخواهی می رود، بی خیال قطار یا سواری.
سواری غرّ غرّ می کند، کلاج می نالد و صدای قطار و ریل ، هماغوشی تداعی معانی
چرخ خیاطی خاله که تق _ تق می کرد، تق _ تق می کند تند و آهسته
تق _ تق اش، هماهنگ با تپیدن قلب پسران کوچه
چرخ خیاطی می دوخت ، می دوزد لباس عروسی دختر همسایه را
بی وفايي ، قایم با شك بازی می کند با ما.
به درود ای کوچه ی جوانی!

قطار و سوزن چرخ خیاطی خودنمایی می کنند بر ریل ها و بر سوراخ ها
و می دوزند تونل ها و درزها را به هم.

تاریک و روشن می شوم
و حال در این لحظه ی فرار
آقای ماش ، که اسم اختصاری نویسنده ی حاضر است
اندوهناک از نیافتن خوشبختی خویش با نیم تاجی از گل و الماس
که بر سر یار، بر سر یاران دیده از آغاز
از دیروز، از غروب دیروز، وقتی سقف آسمان روی سینه می افتاد
پاک پکر گشته و پکری حاصل جرقه ای بوده است در سر
چیزی نظیر نور نبوت یا بوسه ی الاهی ی شعر
و آقای ماش پس از این جرقه به کشف ارشمیدسی خود رسیده

که دیگر فقط به وقت تعطیلات می شود فکر کرد
آنهم به خدا و به جهان و به جنده ها
یاد جینا بخیر، یاد باکوس زنده ،
جینا، دختر کولی جنون زده و باکوس ، خدای شراب رومیان
باز در قطار و در سواری ،
تابلوی اعلانات ، ستون تبلیغات ،
غوغای غریزه ، دعوت به مصرف!
چشم انداز پاریس. چشم انداز جهان.

25,8,2003